

ارزیابی همگرایی‌های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای

سید مرتضی طباطبایی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی اصغر اسماعیل پورروشن^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تهمینه دانیالی

استادیار جغرافیای روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حیدر لطفی

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

چکیده

وابستگی متقابل اقتصادی، ادغام اقتصادهای ملی در سطح جهانی و منطقه‌ای نیز از مهم‌ترین پیامدهای اقتصاد امروز کشورهای در حال توسعه است. وابستگی متقابل اقتصاد کشورها به قدرت‌های جهانی و رشد سریع تجارت جهانی ضمن گسترش سریع رقابت بین‌المللی، زمینه همکاری متقابل و در تقابل یکدیگر را برای کشورهای جهان به همراه آورده است. جمهوری اسلامی ایران پس از تحریم‌های پسابرجام، با مشکلات گسترده اقتصادی مواجه شده است و در طی سال‌های پیش رو، مشکلات اقتصادی آن بیشتر نیز خواهد شد. از این‌رو سیاست‌های نگاه به شرق و منطقه‌گرایی ایران افزایش خواهد یافت. سازمان همکاری شانگهای از جمله سازمان‌هایی می‌باشد که در زمینه منطقه‌گرایی و در زمینه‌های اقتصادی پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را به خود دیده است و از این‌رو همگرایی‌هایی که ایران به خصوص از لحاظ اقتصادی به کشورهای عضو اصلی این سازمان مانند روسیه و چین دارد، می‌تواند راهی برای کاهش فشارهای اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی ایران منجر گردد. از این‌رو مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و کاربردی به ارزیابی همگرایی‌های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای، به منظور ارزیابی پتانسیل‌های صادرات و واردات غیرنفتی ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای از طریق روش‌های آزمون مشابهت و کسینوس زاویه پرداخته است. نتایج نشان داد که ایران به ترتیب با کشورهای چین، روسیه، هند و پاکستان بیشترین پتانسیل‌های تجاری را داراست و در این بین میزان واردات کالاها از کشورهای چین و هند بسیار بیشتر از سایر کشورهای منطقه و حتی کشورهای جهان است.

واژگان کلیدی: منطقه‌گرایی، همگرایی اقتصادی، سازمان همکاری‌های شانگهای، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

در طی چند دهه گذشته، تحولات ساختاری در اقتصاد جهانی موجب پیدایش و تشدید روابط فرامرزی و اقتصاد جهانی شده است. در سطح بین‌المللی، تجارت جهانی امکان دسترسی کشورهای مختلف به داده‌های مهم صنعتی از جمله تکنولوژی را فراهم نموده است. از طرفی امروز روابط سیاسی، منافع سیاسی وابستگی متقابل بازیگران منطقه‌ای به قدرت‌های جهانی، چالش‌های اقتصادی گوناگونی را همراه آورده است. بدون تردید یکی از دغدغه‌های تصمیم‌گیران و دولت‌مردان در کشورهای دیرگرونده به جرگه توسعه اقتصادی، پیدا نمودن راهکارها و استراتژی‌هایی است که دست یافتن به رشد و توسعه اقتصادی بالا و سریع را هموار کند. منطقه‌گرایی و اجرای سیاست‌های اقتصادی هماهنگ میان چند کشور یا ویژگی‌های مشترک فرهنگی، سیاسی و تاریخی، یکی از راهکارهای عملی بوده است که گاه موفقیت‌های چشم‌گیری را نیز داشته است. دسترسی به بازار، یک پارچگی عمیق‌تر اقتصادی، افزایش رقابت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش قدرت چانه‌زنی در مجامع بین‌المللی، تقویت امنیت میان اعضا و تضمین حمایت سیاسی از دلایل گرایش به منطقه‌گرایی از بعد اقتصادی و سیاسی است. بر این اساس می‌توان گفت که عضویت در ترتیبات منطقه‌ای سبب بهره‌گیری از صرفه‌های ناشی از تولید انبوه، افزایش رقابت و ارتقای کارایی تولیدکنندگان داخلی، بهبود احتمالی رابطه مبادله، جذب سرمایه خارجی و انتقال فناوری و احتمال ایجاد تجارت (افزایش میزان مبادلات تجاری بین کشورهای عضو) می‌شود. وابستگی متقابل اقتصاد کشورها به قدرت‌های جهانی و رشد سریع تجارت جهانی ضمن گسترش سریع رقابت بین‌المللی، زمینه همکاری متقابل و در تقابل یکدیگر را برای کشورهای جهان به همراه آورده است (Shahani, 2011: 27). در برخی موارد نیز استراتژی کشورهای در حال توسعه برخلاف قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار می‌گیرد و این تضاد سبب تغییرات ژئوپلیتیک گسترده خواهد شد. تغییر ساختار ژئوپلیتیکی حداقل به دو روش بر رقابت‌های پایدار اثر می‌گذارد؛ نخست اینکه تغییر ساختار، محیطی را که رقابت ژئوپلیتیکی تحت آن رخ می‌دهد تغییر می‌دهد، این تغییر فرصت‌های جدیدی برای کشمکش رقبا ایجاد می‌کند؛ دوم آنکه تغییر ساختار ژئوپلیتیکی بر برخی روابط دوجانبه یا چندجانبه اثر شگرفی دارد. پرونده هسته‌ای ایران از جمله مهم‌ترین پدیده‌های ژئوپلیتیکی اخیر جهان است که نه تنها قدرت‌های منطقه‌ای، بلکه قدرت‌های جهانی و اکثر کشورهای جهان را نیز درگیر نمود و به دنبال تحولات آن در طی ماه‌های گذشته، خروج ایالات متحده از برجام، دوران جدیدی را برای ملت و حکومت ایران آغاز کرد و بازگشت تحریم‌های آمریکا و تهدیدهای مکرر کاخ سفید، نه تنها سبب آشفتگی منطقه بلکه سبب تغییرات در ساختار ژئوپلیتیکی و ساختار اقتصادی و سیاسی سایر کشورها شد. در ۹ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک خارج شد و سپس دونالد ترامپ ضمن اعلام خروج واشنگتن از توافق ۲۳ تیر ۱۳۹۴ بین شش قدرت جهانی عضو گروه ۱+۵ با ایران، خاطر نشان کرد که آمریکا با متحدان خود مذاکره می‌کند تا به یک تصمیم جدید برای جلوگیری از جاه طلبی مخرب ایران برسد. طبق برنامه اعلامی او پس از ۹۰ روز تنفس و فرصت برای تجار و فعالان اقتصادی بخش اول تحریم‌ها قطع می‌گردد و پس از ۱۸۰ روز بخش دوم و پایانی تحریم‌ها بر ایران اعلام می‌شود. تحریم‌های ایران شامل کلیه تحریم‌های اقتصادی، هواپیمایی، خودروسازی، طلا و انرژی می‌باشد.

در راستای سیاست‌ها و استراتژی‌های جمهوری اسلامی ایران، نقش اتحادیه‌های تجاری-سیاسی افزایش یافته و بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است و به همین جهت از دهه گذشته جمهوری اسلامی خواسته و منافع خود را در چارچوب مجموعه‌ای از کشورهای همسو بیان می‌کند و در این میان سهم کشورهای که در راستای جنگ‌ها و درگیری‌های مختلفی با ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده‌اند از سایر کشورها بیشتر بوده است. در این میان می‌توان به کشور چین و کشور روسیه نیز اشاره کرد که یکی دارای جنگ عظیم اقتصادی و دیگری دارای جنگ سیاسی و ایدئولوژیکی با آمریکا است. همواره دو سازمان اتحادیه اروپا و سازمان کشورهای شانگهای از جمله مهم‌ترین اتحادیه‌های تجاری - سیاسی محسوب می‌شوند و امروزه رفتار ایران در تحریم‌های پسا «برجام» به سیاست‌های این دو اتحادیه وابستگی زیادی دارد و با توجه به روابط تاریک گذشته میان ایران و اتحادیه اروپا، نزدیکی اروپا به آمریکا و در نتیجه نگاه بدبینانه‌ی ایران به اتحادیه اروپا، لذا به نظر می‌رسد بالاجبار در تحریم‌های پسا برجام (۱۳ آبان ۱۳۹۷) نگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به کشورهای عضو سازمان شانگهای بسیار فراتر از کشورهای اتحادیه اروپا و سایر کشورهاست و از این رو. به دنبال تحریم‌های ظالمانه ایالات متحده آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران، امروزه افزایش تبادلات اقتصادی - تجاری، امنیتی و ارتقاء روابط ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای هم به لحاظ ایدئولوژیکی و هم به لحاظ همگرایی منطقه‌ای که دارای اشتراکاتی با ایران می‌باشند و هم به لحاظ ژئوکالچر و ژئو استراتژیک، این‌طور به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران برای کاهش فشار تحریم‌ها گرایش‌های بیشتری به کشورهای عضو سازمان شانگهای دارد. از رو همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای بیش از پیش اهمیت داشته است و به این منظور در پژوهش به ارزیابی پتانسیل‌های تجاری با استفاده از روش کسینویس زاویه و ارزیابی مشابهت‌های تجاری میان کشور ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای پرداخته خواهد شد.

تاکنون مطالعات زیادی در این حوزه جهت ارزیابی روابط تجاری بین کشورها در قالب بلوک تجاری انجام شده است که به ارائه چند مورد در این زمینه بسنده می‌شود.

- آرتیس و اکوبو (۲۰۱۱)، به مطالعه چرخه تجاری بین‌المللی ژاپن در دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۵۵ از طریق مدل جاذبه پرداختند. نتایج تأیید می‌کند هر دو کشور با GDP مشابه و مسافت کم بین آنها، از چرخه تجاری پیروی می‌کنند.
- روتگرس و همکاران، (۲۰۱۰)، از مدل جاذبه تعمیم یافته برای ارتباط بین افزایش جریان تجاری با سوخت‌های طبیعی استفاده نمودند. آن‌ها بیان کردند که صادرات سوخت‌های طبیعی (کانولا) اثر مثبتی بر جریان تجاری کشورهای اتحادیه اروپا داشته است، اما عوامل دیگری وجود دارد که اثر بازدارنده‌ای بر همگرایی تجاری بین اعضای اتحادیه اروپا دارد.
- ماریموتو همکاران، (۲۰۰۹)، مدل جاذبه استاندارد شده را برای نقش فاصله کشورها بر تجارت دو جانبه بکار بردند. داده‌ها مربوط به امارات متحده و ۸۵ شریک تجاری برای سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۴ می‌باشد. نتایج بیان می‌کند که مسافت تأثیر کمتری نسبت به تولید ناخالص داخلی، بر میزان صادرات واردات دارد.
- ادموند و همکاران، (۲۰۰۸)، از مدل جاذبه تعمیم یافته برای مقایسه رونق صادرات چین نسبت به کشورهای

آسیای شرقی و جنوب شرقی استفاده نمودند. نتایج، جهت‌گیری بیش از حد چین به خارج را نسبت به سایر کشورها نشان می‌دهد. هم‌چنین به طور احتمالی، میزان صادرات واردات آینده را برای چین پیش‌بینی می‌کند.

• آرنون و همکاران، (۱۹۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان (پتانسیل تجاری بین اسرائیل، اردن و فلسطین))، روش‌های مختلف برآورد پتانسیل تجاری را مورد استفاده قرار داده و نتایج این روش‌ها را با یک دیگر مقایسه کرده‌اند. در روش اول که برآورد ساده پتانسیل تجاری است، تحت طبقه‌بندی استاندارد تجارت بین‌المللی (sitc)، گروه کالایی چهار رقمی سال ۱۹۹۲، میزان پتانسیل تجاری بین اسرائیل و اردن محاسبه شده است که نتایج نشان می‌شود در حالی که سطح قابل توجهی از تجارت ممکن است بین اقتصاد اسرائیل و فلسطین وجود داشته باشد، سطح تجارت دوجانبه بین اسرائیل و اردن نسبتاً پایین است و اسرائیل نتوانسته است از ظرفیت‌های صادراتی خود با این کشور استفاده نماید.

• شکیبایی و بطا (۱۳۸۸) در مقاله همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی، برای برآورد اثرات همگرایی تجاری در منطقه آسیای جنوب غربی از مدل جاذبه با استفاده از روش پانل دیتا در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۵ استفاده نمودند. طبق این تحقیق پتانسیل تجاری ایران و یکپارچگی اقتصادی کشورهای عضو بلوک منطقه آسیای جنوب غربی در تجارت دو جانبه مقدار ۶۱ درصد برآورد می‌گردد و این مقدار در صورت عدم وجود ایران در این منطقه همگرا تر شده و به ۷۱ درصد افزایش می‌یابد.

• حسینی و بزرگی (۱۳۸۹)، در مقاله (ارزیابی و برآورد ظرفیت‌های صادراتی کالایی ایران به کشور آفریقای جنوبی) با استفاده از شاخص‌های برآورد پتانسیل تجاری، مزیت نسبی و شاخص کسینوس طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۲۰۰۱ و بر اساس کدهای کالایی شش رقمی HS تدوین شده است. نتایج نشان داد که در خصوص درجه اکمال تجاری ایران و آفریقای جنوبی، آفریقای جنوبی با شاخص کسینوس، ۰,۶۸ و ۰,۷۶ در واردات و صادرات به ایران را رتبه اول را در میان تمامی کشورهای آفریقا داراست.

تحقیق حاضر از لحاظ روش، از نوع روش‌های توصیفی-تحلیلی است و از لحاظ هدف، توسعه‌ای و از نوع تحقیق‌های پیمایشی است.

پتانسیل تجاری، میزان تجارتی است که کشورها به طور بالقوه می‌توانند با توجه به عوامل تعیین کننده جریان تجارت، با یکدیگر داشته باشند (Husseini and Bozorgi, 2010: 20) روش‌های برآورد پتانسیل تجاری را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

روش برآورد ساده پتانسیل تجاری

روش برآورد پتانسیل تجاری با استفاده از آزمون مشابهت

روش برآورد پتانسیل تجاری با استفاده از مدل جاذبه (Rahmani, 2005: 218)

در تحقیق حاضر، برآورد پتانسیل تجاری (پتانسیل صادراتی وارداتی) غیرنفتی بین ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای از طریق روش برآورد ساده با استفاده از آزمون مشابهت محاسبه شده است.

۱. برآورده ساده پتانسیل‌های تجاری با استفاده از آزمون مشابهت

در زمانی که بحث همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین چند کشور مطرح می‌شود، در اولین گام کشورهای عضو به کاهش موانع تجاری (موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای) یا حذف موانع تجاری فی‌مابین می‌اندیشند. معمولاً در صورت انعقاد موافقت‌نامه تجاری، لیستی از کالاها معرفی می‌شوند که کاهش یا حذف موانع تجاری در مورد این لیست از کالاها اعمال می‌گردد (Shahani, 2011: 32). روش برآورد ساده پتانسیل تجاری با استفاده از آزمون‌های مشابهت معیاری است که می‌تواند این لیست را در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. البته ارائه این لیست توسط این روش اولین گام محسوب می‌شود، زیرا در نهایت باید تعیین شود که کاهش تعرفه در مورد هر کالا به چه میزان باشد و این میزان چه تأثیری روی رفاه خواهد داشت. بر این اساس، برآورد ساده پتانسیل تجاری روش مناسبی است؛ چون در این روش کالاهای پتانسیل دار مین می‌شوند، ضمن آن که رقم کل پتانسیل نیز تعیین می‌شود. این روش در مطالعات مربوط به برآورد پتانسیل تجارت دو جانبه بین کشورها، کاربرد فراوانی دارد.

روش ساده با هدف برآورد پتانسیل تجاری به صورت زیر است:

-روش برآورد ساده از پتانسیل صادرات کشور A به کشور B و همین طور این روش را برای واردات کشور A از کشور B نیز می‌توان به کاربرد. به این ترتیب است که واردات اقلام یا گروه‌های کالایی کشور B به تفکیک طبقه‌بندی کالایی SITC یا HS را در نظر می‌گیرند و در مقابل کل صادرات کشور A از همان کالاها به کشورهای جهان را در نظر می‌گیرند (این آمار از لوح‌های فشرده آماری بین‌المللی مثل PC-TAS قابل دسترس است. به این ترتیب دو ستون در مقابل هر کد کالا به وجود خواهد آمد که یکی مربوط به واردات کشور B از آن کالاها از تمام کشورهای جهان و دیگری مربوط به صادرات کشور A از آن کالاها به تمام کشورهای جهان می‌باشد. (باقری، ۱۳۹۱، ۶۶). لذا در مقابل هر شماره تعرفه کالا دو عدد خواهد بود. برای تعیین حداکثر پتانسیل صادراتی، حداقل آن دو عدد مد نظر قرار می‌گیرد و پتانسیل معمولی حدود ۱۰ الی ۳۰ درصد حداقل مقدار تعیین شده خواهد بود:

$$\text{Min}(X_{iwt}, M_{iwt}) =$$

حداکثر پتانسیل‌های تجاری (صادراتی وارداتی کشور A به کشور B) از کالای i.

$$\text{Min}(x_{iwt}^a, M_{iwt}^b) \times (10 - 30)\% =$$

پتانسیل کشور A به کشور B از کالای i

در فرمول‌های مذکور:

A=کشور صادرکننده

B=کشور وارد کننده

W=جهان

T=زمان

X=صادرات

M=واردات

I=کالای مورد نظر

XAIWT=صادرات کشور A به جهان از کالای i در زمان t

MBIWT=واردات کشور B از جهان از کالای i در زمان t.

با جمع کردن رقم‌های پتانسیل صادراتی کشور A به کشور B در مورد کدهای مختلف کالاها میزان کل پتانسیل صادراتی کشور A به کشور B تعیین می‌گردد.

در این پژوهش برای آنکه برآورد دقیق‌تری داشته باشیم، نیاز به معیار مشخصی می‌باشد. بر این اساس از شاخص کسینوس استفاده شده است (Shahani, 2011, 35).

۱.۱. شاخص کسینوس

برای تعیین تشابه تجاری بین کشورها، معیارهای متعددی مانند معیار تشابه فینگر کرینین، معیار تشابه صادرات واردات و معیار کسینوس (در این تحقیق از این شاخص استفاده شده است وجود دارد. معیار کسینوس یکی از مرسوم‌ترین روش‌های تعیین امکان تجارت دوجانبه کشورها است که با استفاده از روش اندازه‌گیری کسینوس زاویه دو بردار صادرات واردات کشورها به دست می‌دهد، به این منظور دو ماتریس $1 \times N$ که یکی صادرات کشور به جهان و دیگری واردات کشور و از جهان است، تعریف می‌شود. سپس با تعیین زاویه دو بردار در فضای کالای n بعدی می‌توان این دو بردار را با هم مقایسه نمود. زاویه کوچک نشان می‌دهد که ترکیب کالایی صادرات کشور (برای تمام مقاصد یا جهان) شبیه به ترکیب کالای واردات کشور و از تمام مبادی یا جهان است و هم چنین زاویه بزرگ نشان می‌دهد که ساختار صادرات کشور و ساختار واردات کشور و غیرمشابه هستند (یعنی قابلیت انطباق ندارند)

معیار کسینوس همواره به صورت جدول زیر تعیین شده است:

$$COS_{ij} = \frac{\sum_{k=1}^n X_{ik} \cdot M_{jk}}{\sqrt{\sum_{k=1}^n X_{ik}^2 \cdot \sum_{k=1}^n M_{jk}^2}}$$

جدول ۱. فرمول معیار کسینوس

X_{ik} = سهم صادرات کالای k در صادرات کشور i به جهان.

M_{jk} = سهم واردات کالای k در واردات کشور j از جهان.

اگر چنانچه ترکیب کالایی صادرات کشور i با واردات کشور j یکسان باشند، نشان دهنده درجه تشابه کامل است؛ یعنی الگوهای کالایی کشور صادر کننده وارد کننده دقیقاً شبیه به هم می‌باشند و مقدار COS یک مقدار خواهد بود.

اگر برای تمام kها، x یا M یا هر دو صفر باشند، واضح است که تجارت از کشور i به کشور j ممکن نیست؛ یعنی به این منظور است که هیچ درجه تشابه‌ی وجود ندارد و در این صورت مقدار کسینوس صفر خواهد بود؛ بنابراین

کسینوس دو بردار می‌تواند بین ۰ و ۱ قرار گیرد.

مقادیر بین ۰,۸ و ۱ = درجه تشابه بسیار بالا

مقادیر بین ۰,۶ و ۰,۸ = درجه تشابه بالا

مقادیر بین ۰,۴ و ۰,۶ = درجه تشابه متوسط

مقادیر بین ۰,۲ و ۰,۴ = درجه تشابه کم

مقادیر بین صفر و ۰,۲=درجه تشابه بسیار کم.

لازم به ذکر است که معیار کسینوس تنها شدت جریان تجاری و تشابه تجاری میان دو کشور وارد کننده و صادرکننده را مشخص می‌نماید و در مورد پتانسیل تجاری، اعداد و ارقامی را تعیین می‌نماید.

مبانی نظری

۱. همگرایی

گرچه تعریف واژه منطقه‌گرایی باید مورد توافق قرار گیرد اما می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد: منطقه‌گرایی مبتنی بر ارزش و منطقه‌گرایی مبتنی بر سیاست. منطقه‌گرایی ارزشی در واقع ستایشی دوستانه است که ترکیبی از عقاید، ارزش‌ها و اهداف آشکار و روشن را مطرح می‌کند. هدف منطقه‌گرایی ارزشی ایجاد، حفظ و بازنگری در قواعد امنیت، رفاه، صلح و توسعه در منطقه است و از جانب بازیگرانی با عقاید و منابع مشابه درخواست می‌شود تا فعالیت‌ها و روابط خود را در فضای منطقه‌ای مشخصی سازماندهی نمایند. منطقه‌گرایی سیاسی به گروهی از کشورهای صاحب حاکمیت اشاره دارد که از نظر جغرافیایی هم جوار و از نظر سیاسی و اقتصادی وابسته به هم هستند، ویژگی‌های مشترک متعددی با هم دارند و به دنبال توافق جامع و ترتیبات مشترک در امور منطقه‌ای، تمایلات و سیاست همکاری بر اساس تقویت منافع فردی و کنترل نظام روابط میان خود تحت این چارچوب هستند. به طور کلی در سیاست بین‌الملل، همگرایی رابطه‌ای است که در آن رفتار به «ارنست‌هاس». بازیگران واحدهای سیاسی در قالب جدیدی شکل گرفته است عنوان پدر پایه‌گذار این تئوری همگرایی را این چنین تعریف می‌کند:

روندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می‌شوند مه وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات ملت کشور باشد سوق دهند (Abdulmutallab, 2016: 18) بنا بر تعریف «مورتون کاپلان» همگرایی روندی است که طی آن سیاست‌های مجزا، یک چارچوب مشترکی را تشکیل می‌دهند که قادر به رسیدن به اهداف و اقدامات سیاسی مشترک می‌باشند. (کریمی، ۱۳۸۹، ۳۱) لئون لیندبرگ با استفاده از تعریف هاس، همگرایی را این گونه تعریف می‌کند:

۱- روندی که به موجب آن ملت‌ها برای به دست آوردن یک رهبری خارجی با حفظ سیاست‌های داخلی ولیکن به‌طور وابسته به یکدیگر در عوض برقراری توافق‌های دوگانه از اقتدار خویش می‌کاهند.

۲- روندی که به موجب آن، بازیگران سیاسی انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به یک مرکز جدید منتقل می‌کنند. کارل دویچ نیز بیان می‌کند که همگرایی یک موضوع همیشگی و حق است نه یک موضوع مربوط به زمان خاص. وی همگرایی را به عنوان شرایطی که در آن مردم اختلافاتشان را از راه مسالمت‌آمیز به جای جنگ حل می‌کنند، ارزیابی می‌کند. (کریمی، ۱۳۸۹، ۳۲)

۲. همگرایی اقتصادی

منظور از همگرایی اقتصادی، یکسان شدن اقتصاد چند واحد سیاسی مختلف است. در بحث از همگرایی اقتصادی، میزان حمایت دولت‌ها از اقتصادهای ملی، نحوه ارتباطات اقتصادی و سطح تجارت درون منطقه‌ای و تکمیل‌کنندگی

اقتصاد واحدهای همگرا مدنظر قرار می‌گیرد. این نظریه‌ها اساساً به مسئله اتحادیه‌های گمرکی مربوط می‌شود و اینکه آیا رفع تعرفه‌ها و موانع گمرکی در میان گروهی از کشورها می‌تواند عامل رشد اقتصادی آن‌ها شود. در این زمینه متغیرهایی چون سطح اشتغال، توازن پرداخت‌ها، ساختار صنعت توانایی اقتصادی و نظایر آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. (Koulaei, 2000: 32) برخی از نظریه‌پردازان همگرایی اقتصادی را به عنوان مدلی برای رشد اقتصادی مطرح ساخته‌اند. در این نظریه‌ها ایجاد تجارت و تنوع در تجارت مورد بررسی قرار گرفته است. منظور از این دو مفهوم افزایش تجارت در میان مجموعه‌ای از کشورها و یا دگرگونی در روابط تجاری آن‌ها می‌باشد. جریان آزاد کالا و سرمایه و نیروی کار در این میان از اهمیت بالایی برخوردار است. از نظر نای همگرایی اقتصادی از طریق تقویت همبستگی و توجه به مسائل رفاهی و ایجاد اقتصادی فراملی در میان مجموعه‌ای از کشورها مطرح می‌شود. (Koulaei, 2000: 32) به نظر یکی از نظریه‌پردازان تئوری همگرایی به نام «بلابالاسا» همگرایی اقتصادی در آغاز حرکت خود می‌تواند در قالب یک منطقه آزاد تجارت جهانی متجلی شود و از تجارت آزاد تا همگرایی کامل اقتصادی پنج مرحله را طی می‌کند که هر مرحله بیانگر میزانی از همگرایی اقتصادی است.

۱- حوزه‌های تجارت آزاد

۲- اتحادیه‌های گمرکی

۳- بازارهای مشترک

۴- اتحادیه‌های اقتصادی

۵- همگرایی کامل اقتصادی

هواداران همگرایی اقتصادی این فرآیند را سبب گسترش بازارهای کوچک کشورهای کم توسعه یافته و به دست آوردن اقتصادهایی با حجم بزرگ‌تر می‌دانند که کشورهای کوچک به این طریق محدودیت‌های خود را رفع می‌کنند. (کولایی، ۱۳۷۹، ۳۴)

۳. منطقه‌گرایی

منطقه‌گرایی معادل کلمه لاتین رژیونالیسم است که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد (Hosseini, 2009: 28).

در ادبیات روابط بین‌الملل، رژیونالیسم هنگامی کاربرد دارد که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علائق مشترک هستند از طریق سازمان‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. (Aghajari and Rostami Far, 2012, 85). منطقه‌گرایی عبارت است از ایجاد تحول در یک منطقه مشخص، از پراکندگی و چند دستگی به همگون شدن و همگرایی، آن هم در یک رشته از زمینه‌ها که مهم‌ترین آن‌ها فرهنگ، امنیت، سیاست‌های اقتصادی و رژیم‌های سیاسی است. سطح مشخصی از همسانی شرط لازم است اما کافی نیست. (Mahkouee & Bavir, 2014) برخی اوقات منطقه‌گرایی به عنوان گزینه‌ای در مقابل نظریه جهان‌گرایی و جانشین برتری برای اصل جهان‌گرایی مطرح گردیده است و نتیجه گرفته می‌شود که تنها در بخش‌هایی از جهان می‌توانیم بنیادهای فرهنگی وفاداری‌های مشترک، تشابه عینی مشکلات مالی و آگاهی بالقوه از منافع مشترک را که برای

عملکرد مؤثر نهادهای چندجانبه ضروری هستند، پیدا کنیم. از سوی دیگر، در چارچوب یک منطقه، می‌توان سازگاری راه‌حل‌های بین‌المللی با مشکلات واقعی را هوشیارانه به انجام رساند و تعهدات کشورها نسبت به یکدیگر می‌تواند به نسبت‌های قابل اداره محدود شود و از طریق قیدهای آشکار متقابل لازم‌الاجرا گردد. (Claude, 2003, 125). بنابراین همان‌طور که در جامعه ملی هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی به قدرت سیاسی دست یابد و به ناچار باید در پناه یک حزب، جایگاهی در معادلات سیاسی پیدا کند (مهکویی و باویر، ۱۳۹۳)، یک کشور هم نمی‌تواند به تنهایی در معادلات قدرت جهانی جایگاهی پیدا کند. از این‌رو منطقه‌گرایی خود را بر همه کشورها تحمیل می‌کند و در این میان، کشورهای موفق خواهند بود که با تمهیدات لازم به استقبال آن رفته و قدرت خود را درون یک تشکل منطقه‌ای تعریف کنند. (Najafqulfinejad et al., 2013, 41).

۴. سازمان همکاری شانگهای

۴.۱. زمینه‌های تاریخی و روند شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تغییرات عمده‌ای در ژئوپلیتیک مرزهای میان این کشور و چین به وجود آمد و بخشی از ۷۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک میان این دو کشور تبدیل به مرزهای مشترک میان چین و قزاقستان (۱۵۳۳ کیلومتر)، چین و تاجیکستان (۴۱۴ کیلومتر)، چین و قرقیزستان (۸۵۸ کیلومتر)، روسیه و چین (۴۰ کیلومتر در منطقه آسیای مرکزی) گردید. (زاهدی انارکی، ۱۳۸۵، ۵۳) تاریخچه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به مذاکرات مرزی چین و روسیه بر می‌گردد. پس از فروپاشی شوروی سه کشور تازه استقلال یافته آسیای مرکزی که با چین هم‌مرز بودند؛ یعنی قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان - در مذاکرات مرزی بین چین و روسیه شرکت کردند و سرانجام در آوریل ۹۰۰۱ پنج کشور مذکور توافق‌نامه‌ای را تحت عنوان توافق‌نامه اعتمادسازی در مناطق مرزی به امضا رساندند که به موجب آن، دول مذکور متعهد شدند محدودیت‌هایی را در استقرار نیروهای نظامی و فعالیت‌های نظامی خود در یک منطقه غیرنظامی مرزی به طول ۹۹۹ کیلومتر (۱۹ مایل) اعمال نمایند. از آنجایی که توافق‌نامه مذکور در شانگهای منعقد شده بود، پنج کشور مذکور از این پس به نام کشورهای عضو (شانگهای پنج) معروف شدند. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ۹۴). سران کشورهای عضو شانگهای پنج بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ سالانه یک نشست برگزار می‌کردند در این نشست‌ها تفاهم‌نامه‌هایی در موارد مختلف از جمله معاهده تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی و معاهده کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی صورت پذیرفت. ششمین اجلاس سران کشورهای عضو گروه شانگهای پنج در ۱۴ و ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ در شانگهای برگزار گردید. در این اجلاس دو اعلامیه و یک بیانیه از سوی سران کشورهای عضو صادر شد. در اعلامیه نخست پذیرش تقاضای عضویت ازبکستان و توافق در تشکیل سازمان همکاری شانگهای با عضویت تمام اعضای گروه اعلام شد (Talebi and Ja'far Paskai, 2008, 69). این سازمان در سال ۲۰۰۱ به منظور هماهنگی بین کشورهای عضو در جهت (حفظ و تأمین صلح، امنیت و ثبات، ارتقای همکاری‌های مؤثر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری، علوم و فنون، فرهنگ، آموزش، بهداشت عمومی، محیط زیست و گردشگری و حرکت در مسیر ایجاد نظم بین‌المللی مبتنی بر دموکراسی، عدالت و منطق) تأسیس گردید.

۲.۴. اهداف و وظایف سازمان همکاری شانگهای

مهم‌ترین وظایف سازمان همکاری شانگهای عبارت‌اند از:

- تقویت اعتماد متقابل، دوستی و حسن همجواری میان کشورهای عضو برای تثبیت همکاری‌های چند وجهی در نگهداری و تقویت صلح و امنیت و ثبات در منطقه و کمک به ایجاد دموکراسی نوین، نظم عادلانه اقتصادی و سیاسی بین‌المللی.

- همکاری مشترک برای مقابله با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در تمام اشکال آن، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، قاچاق سلاح و سایر فعالیت‌های جنایی با خصوصیات فراملی و مهاجرت غیرقانونی.

- تشویق همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، تجاری، اقتصادی، دفاعی، اجرای قانون، حمایت از محیط‌زیست، فرهنگی، علمی، تکنولوژی، آموزشی، انرژی، حمل‌ونقل، فاینانس و اعتبارات و همچنین سایر زمینه‌های مربوط به منافع مشترک.

- اقدام مشترک و مشارکت جمعی برای ایجاد رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متوازن و جامع در منطقه به منظور افزایش استانداردها و ارتقاء شرایط زندگی در کشورهای عضو.

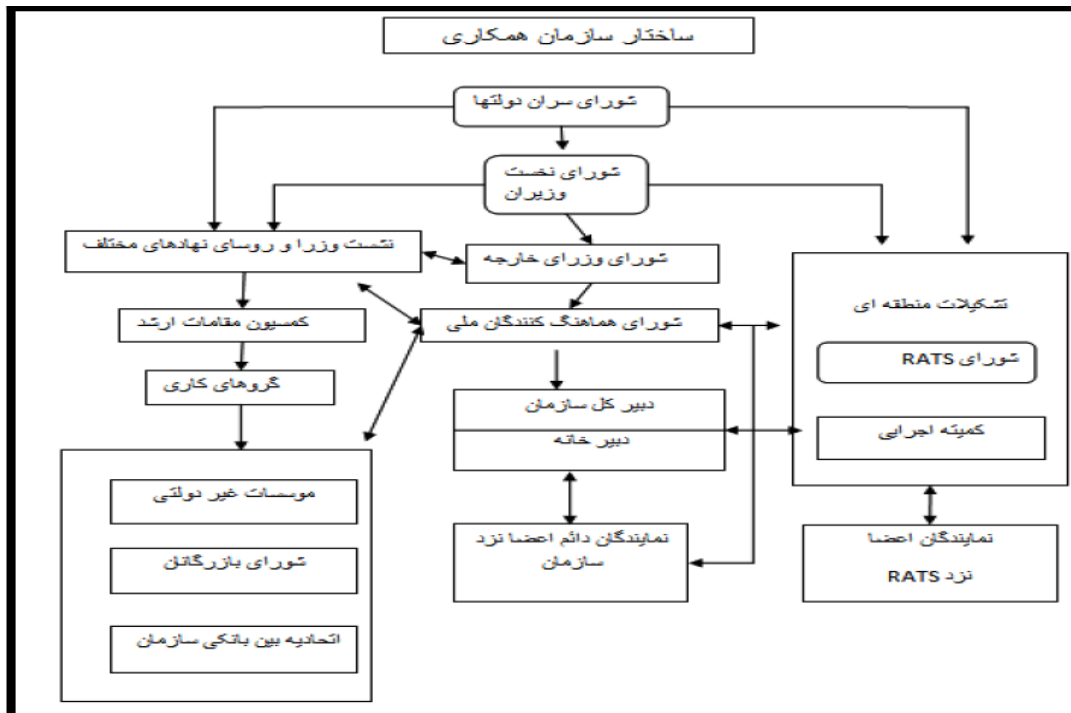
- هماهنگی رهپافت‌ها برای تعامل در اقتصاد جهانی.

- ترویج حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر اساس تعهدات بین‌المللی کشورهای عضو قوانین داخلی کشورها.

- تقویت همکاری با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی.

- همکاری در زمینه ممانعت از منازعات بین‌المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.

- همکاری برای حل مشکلاتی که جهان در قرن ۹۹ با آن مواجه خواهد بود. (Taghavi, 2010: 55)



نمودار ۱. ساختار سازمان همکاری شانگهای

Source: Talebi Far and Paskai, 2008, 279

نتایج و بحث

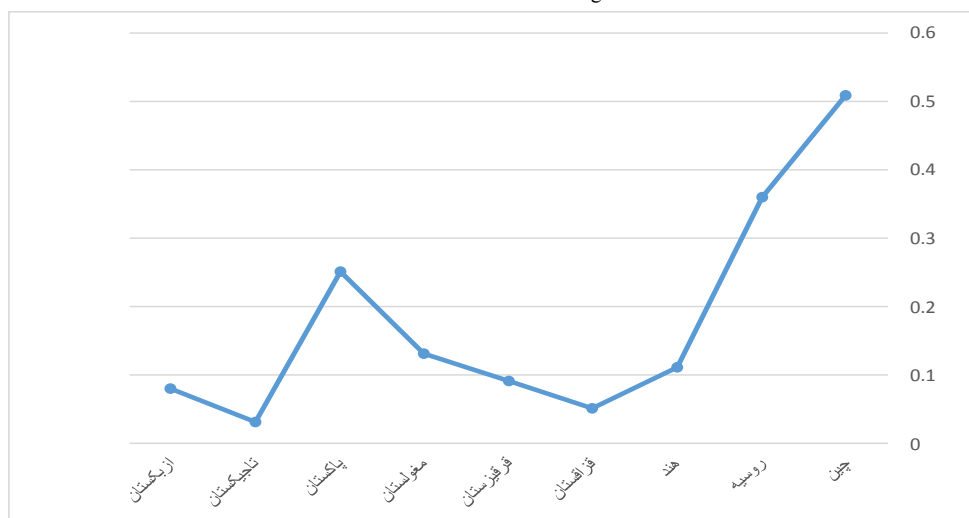
۱. محاسبه شاخص کسینوس صادرات غیرنفتی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای

بردار کالاهای صادراتی غیرنفتی ایران به عنوان عرضه صادرات کشورمان و بردار کالاهای وارداتی غیرنفتی کشورهای شانگهای به عنوان تقاضای وارداتی آنها در نظر گرفته شده است. در جدول (۲)، درجه تشابه صادرات غیرنفتی ایران با کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای آمده است. ملاحظه می شود که درجه تشابه ساختار صادرات غیرنفتی ایران با ساختار واردات غیرنفتی کشورهای عضو شانگهای بسیار کم می باشد. با توجه به شاخص کسینوس صادرات غیرنفتی ایران به کشورهای شانگهای، هر چه این شاخص از ثبات بیشتری برخوردار باشد، تصمیم گیری در مورد بازارهای هدف کالاهای غیرنفتی کشورمان بهتر خواهد بود. هر چند درجه تشابه بالا دلیل کافی برای برقراری روابط تجاری بالا بین دو کشور نیست، بلکه عوامل دیگری نظیر تشابه مطلوبیت، نزدیکی جغرافیایی، مسائل سیاسی و... در شکل گیری این روابط مؤثر هستند. پایین بودن مقادیر معیار کسینوس نیز امکان وجود فعالیت های تجاری را در آینده منتفی نمی کند. همان طور که معیار کسینوس ایران و تاجیکستان پایین است ولی روابط تجاری کشورمان با تاجیکستان این مطلب را تأیید نمی کند. هم چنین بر اساس این جدول، در میان کشورهای عضو سازمان شانگهای، بیشترین درجه تشابه صادرات غیرنفتی ایران با کشورهای چین، روسیه و پاکستان است.

جدول ۲- درجه تشابه صادرات غیرنفتی ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای ۲۰۱۸-۲۰۱۴

نام کشور	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
چین	-	-	۰,۵۱	-	-
روسیه	-	-	-	۰,۳۶	-
هند	-	-	-	-	۰,۱۱
قزاقستان	-	-	-	-	۰,۰۵
قرقیزستان	-	-	-	-	۰,۰۹
مغولستان	-	-	-	-	۰,۱۳
پاکستان	-	-	-	۰,۲۵	-
تاجیکستان	-	-	-	-	۰,۰۳
ازبکستان	-	-	-	-	۰,۰۸

Source: Research Findings



نمودار ۲- درجه تشابه صادرات غیرنفتی ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای ۲۰۱۸-۲۰۱۴ Source: Research Findings

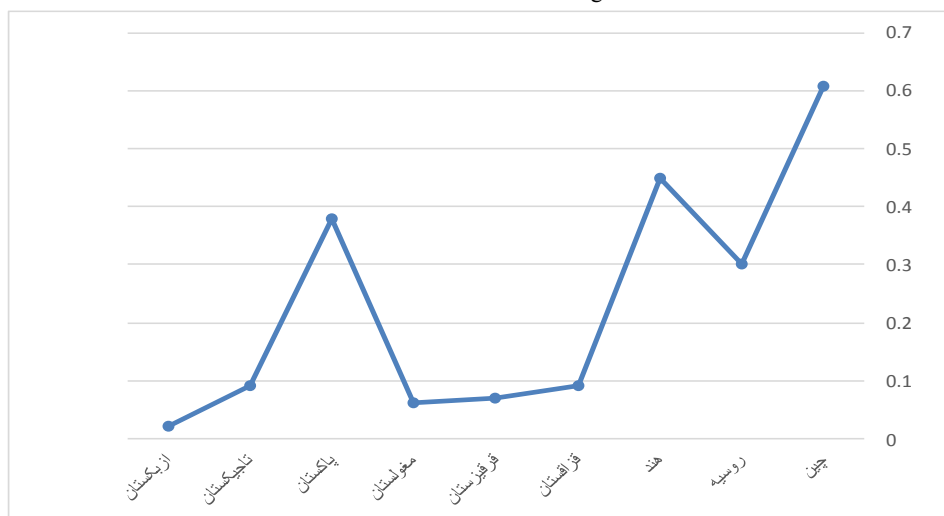
۲. محاسبه شاخص کسینوس واردات غیرنفتی ایران از کشورهای عضو سازمان شانگهای

معیار کسینوس به جهت و مسیر جریان تجارت بین دو کشور بستگی دارد، به گونه‌ای که این شاخص بر اساس صادرات کشور A واردات کشور B با صادرات کشور B واردات کشور A متفاوت است. بر همین اساس کسینوس واردات ایران از کشورهای عضو سازمان شانگهای برآورد شد. بردار کالاهای صادراتی غیرنفتی کشورهای شانگهای به عنوان عرضه صادراتی کشورهای شانگهای و بردار کالاهای وارداتی غیرنفتی ایران به عنوان تقاضای وارداتی ایران در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد شاخص کسینوس برای جریان واردات غیرنفتی ایران از کشورهای سازمان شانگهای همانند صادرات غیرنفتی ایران به این کشورها، دارای درجه تشابه کم می‌باشد. البته پایین بودن درجه تشابه بدان معنی نیست که امکان وجود هیچ فعالیت تجاری در آینده وجود ندارد. با توجه به جدول (۴-۲)، کسینوس واردات غیر نفتی ایران از کشورهای سازمان شانگهای از مقادیر بالاتری نسبت به صادرات غیرنفتی آن به این کشورها برخوردار است. در جدول (۴-۲) درجه تشابه واردات غیرنفتی ایران با هر یک از کشورهای سازمان، در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۴ بر اساس شاخص کسینوس محاسبه شده است. مشاهده می‌شود بیشترین درجه تشابه واردات غیرنفتی ایران از کشورهای سازمان شانگهای با کشور چین و هند است و کمترین درجه تشابه با کشور ازبکستان است.

جدول ۳-درجه تشابه واردات غیرنفتی ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای ۲۰۱۸-۲۰۱۴

نام کشور	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم
چین	-	۰,۶۱	-	-	-
روسیه	-	-	۰,۳۰	-	-
هند	-	-	۰,۴۵	-	-
قزاقستان	-	-	-	۰,۰۹	-
قرقیزستان	-	-	-	۰,۰۷	-
مغولستان	-	-	-	۰,۰۶	-
پاکستان	-	-	۰,۳۸	-	-
تاجیکستان	-	-	-	۰,۰۹	-
ازبکستان	-	-	-	-	۰,۰۲

Source: Research Findings



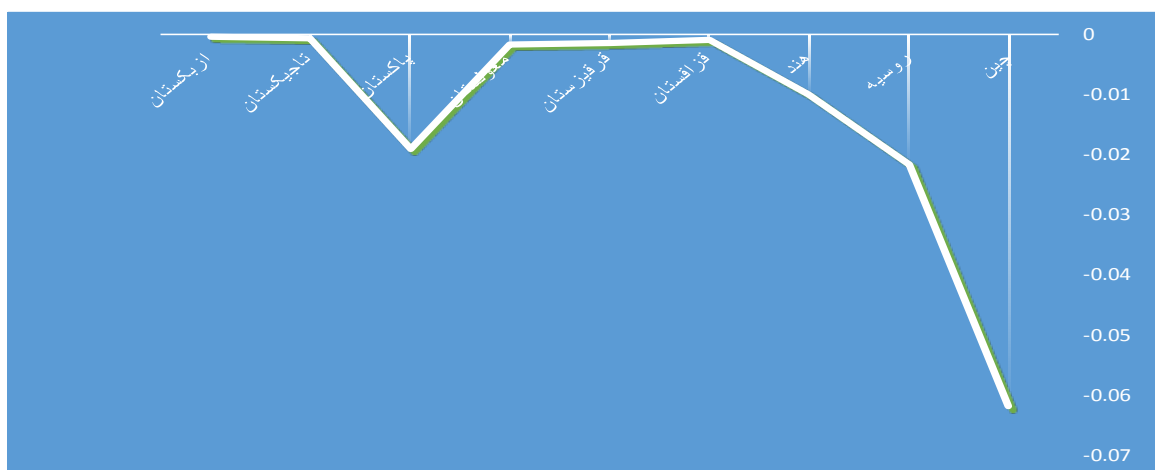
نمودار ۳- درجه تشابه واردات غیرنفتی ایران با کشورهای عضو سازمان شانگهای ۲۰۱۸-۲۰۱۴ Source: Research Findings

۳. محاسبه پتانسیل های تجاری میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای

در رابطه با محاسبه نسبت تشابهات واردات طبق فرمول زیر برای هر یک از کشورهای عضو سازمان شانگهای عمل می نمایم.

$$\text{Min}(x_{iwt}^a, M_{iwt}^B) \times (10 - 30)\% =$$

حال به نمودار ۴ توجه می نمایم.



نمودار ۴- پتانسیل های تجاری محاسبه شده میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای

Source: Research Findings

با توجه به نتایج نمودار فوق، آمارها نشان می دهد که ایران با کشور چین بیشترین میزان پتانسیل های تجاری را داراست، سپس با کشور روسیه و پس از آن با کشور پاکستان و هند بیشترین پتانسیل های تجاری را دارا می باشد. از این رو سایر کشورها مانند قزاقستان، قرقیزستان، مغولستان، تاجیکستان و ارمنستان کمترین میزان پتانسیل های تجاری را با ایران دارند.

همچنین شیب نمودار نشان می دهد که میزان واردات کالاها از چین بسیار بیشتر از میزان صادرات کالاهای غیرنفتی از سوی ایران به چین است. پس از چین روسیه، پاکستان و هند نیز همین رابطه را با ایران دارند.

۴. پتانسیل صادرات غیرنفتی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای بر اساس آمار و ارقام بانک جهانی در

سال ۲۰۱۸

جداول پتانسیل صادرات غیرنفتی ایران به هر یک از اعضای سازمان همکاری های شانگهای بسیار گسترده است؛ زیرا پتانسیل صادراتی کشورها را بر اساس کدهای شس HS نمایان می سازند که با توجه به وضعیت کشور و نا مشخص بودن اقلام واردات و صادرات، طی این مسیر بسیار پیچیده است و از این رو بخش حاضر قابل استناد نمی باشد.

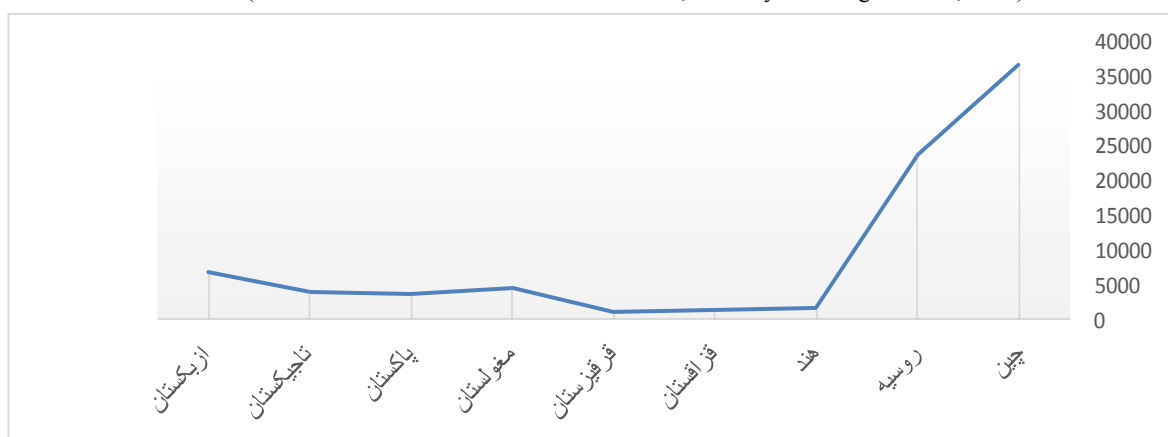
در جدول ۴ رقم کل پتانسیل صادرات غیرنفتی ایران به هر کشور که از طریق آمارهای بانک جهانی به دست آمده، ارائه شده است. در این جدول ستون اول اسامی ۹ کشور عضو سازمان شانگهای که به عنوان متغیر شریک تجاری در این سازمان بوده اند، قابل نمایان است. ستون دوم و سوم به ترتیب حداکثر پتانسیل صادرات غیرنفتی و پتانسیل

واردات غیرنفتی را آشکار می‌سازد. این رقم در حدود ۳۹۸۴٫۸ میلیون دلار بوده است. همان‌طور که در بخش‌های قبل هم به آن پرداخته شد، کشور تاجیکستان و ازبکستان پایین‌ترین رقم پتانسیل‌های تجاری را دارا هستند.

جدول ۴- مشخصه‌های مرتبط با پتانسیل صادرات غیرنفتی ایران به هر یک از کشورهای عضو سازمان شانگهای سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸

کشور	حداکثر صادرات غیرنفتی	پتانسیل غیرنفتی	پتانسیل صادرات غیرنفتی	میزان صادرات غیرنفتی تحقق یافته	ظرفیت صادراتی غیرنفتی بلااستفاده
	ارزش (میلیون دلار)	ارزش (میلیون دلار)	ارزش (میلیون دلار)	سهم از پتانسیل غیرنفتی ایران به هر کشور	ارزش (میلیون دلار)
				سهم از پتانسیل غیرنفتی صادرات غیرنفتی	درصد از پتانسیل ایران به هر کشور
چین	۳۶۷۰۲	۴۲۶۴۶	۳۵۴۱	۳۵٫۸	۱۴
روسیه	۲۳۶۸۴	۹۳۰	۲۱۴۶۴	۱۱٫۹	۳
قرقیزستان	۱۵۶۷	۱۹۵٫۶	۱۲۴۱	۱٫۲	۲۵
ازبکستان	۱۲۷۴	۳۵۴	۱۰۶۵	۳٫۴	۳۶
تاجیکستان	۹۷۶	۷۶	۹۰۱	۶٫۷	۰
قزاقستان	۴۵۶۴	۷۴۱	۴۳۲۱	۳٫۶	۶۱
هند	۳۶۴۸	۴۵۶۴	۳۵۴۹	۳۹	۰
مغولستان	۴۰۱۳	۴۲۱	۳۸۴۴	۰	۱۰۰
پاکستان	۶۷۹۴	۹۵۴	۶۱۲۰	۱۶	۰
جمع	۸۳۲۲۲	۵۶۵۳۰۱۱	۵۱۱۶۰۲۲	۱۳۰۰۶	۱۱۰۰۰٫۱

Source: (Bureau of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs, 1977)



نمودار ۵- حداکثر پتانسیل صادرات غیرنفتی برحسب میلیون دلار

Source: Research Findings



نمودار ۶- ظرفیت صادراتی غیرنفتی بلااستفاده میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای

Source: Research Findings

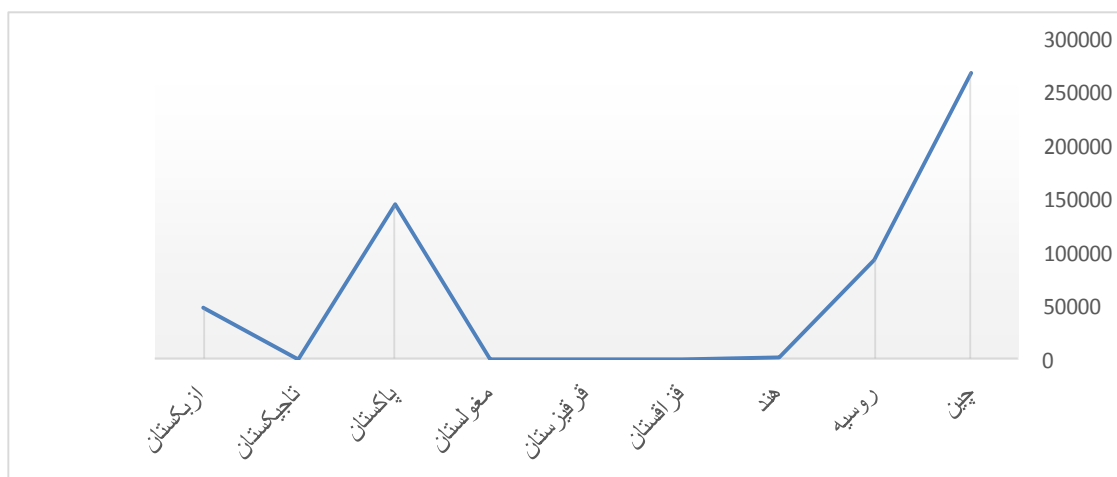
پتانسیل واردات غیرنفتی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای بر اساس آمار و ارقام بانک جهانی در سال ۲۰۱۸

مشخصه پتانسیل‌های واردات غیرنفتی ایران از کشورهای عضو سازمان شانگهای به صورت جدول ۵ است.

جدول ۵- مشخصه‌های مرتبط با پتانسیل واردات غیرنفتی ایران از هر یک از کشورهای عضو سازمان شانگهای مجموع سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸

کشور	حداکثر پتانسیل واردات غیرنفتی	پتانسیل واردات غیرنفتی	میزان واردات غیرنفتی تحقق‌یافته	میزان سهم از غیرنفتی	سهم از پتانسیل وارداتی غیرنفتی	ارزش (میلیون دلار)	درصد از پتانسیل ایران
چین	۲۷۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۶۰	۵۹	۱۲۰۶۵	۵۰
روسیه	۹۴۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۶۰۰۰۰	۲۳	۴۷	۵۹۴۵	۵۶
قرقیزستان	۷۶۰	۴۲	۵۰۰	۰٫۶	۱۰۰	۰	۰
ازبکستان	۲۱۸	۱۰۹	۱۴۰	۰٫۴	۱۰۰	۰	۰
تاجیکستان	۳۰۲	۷۰	۲۰۰	۰٫۵	۷۸	۱۸	۲۶
قزاقستان	۲۹۸	۱۲۰۰	۲۵۰	۰٫۵	۱۰۰	۰	۰
هند	۱۴۵۰۰۰	۳۵۰۰۰۰	۱۳۰۰۰۰	۴۴	۳۸	۵۸۹۴	۶۹
مغولستان	۴۶۰	۸۰	۵۰	۰٫۱	۰	۷۹	۱۰۰
پاکستان	۴۸۰۰۰	۶۵۰۰۰	۴۵۰۰۰	۱۸	۵۶	۵۱۱۰	۴۸
جمع	۵۵۹۰۳۸	۸۵۶۵۰۱	۳۵۶۱۴۰	۱۴۷٫۱	۵۷۸	۲۹۱۱۱	۳۴۹

Source: (Bureau of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs, ۱۹۹۷)



نمودار ۷- حداکثر پتانسیل واردات غیرنفتی بر حسب میلیون دلار

Source: Research Findings

تحلیل دلایل گرایش جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای

سیاست نگاه به شرق نظام، جغرافیایی یا ایدئولوژیکی نیست. قطعاً منظور از «نگاه به شرق» همه کشورهای غیر غربی از امریکای لاتین تا پاکستان و هند، چین و اندونزی را در برمی‌گیرد؛ اما بن‌مایه اصلی شرق از نگاه ایران امروز، آسیایی است که آینده جهان را سامان خواهد داد. با این نگاه استرالیا که همسایه آسیاست یک کشور غربی است و روسیه که اکثر جمعیت و فرهنگش اروپایی است شرقی محسوب می‌شود.

آنچه امروزه ایران و روسیه را نزدیک کرده است نظام ارباب و رعیتی یا پلکانی نیست که روسیه نه می‌خواهد و نه می‌تواند خواسته‌ای را بر ایران تحمیل کند. روسیه نه به عنوان یک قطب جهان بلکه همانند ما یک قدرت منطقه‌ای

است که تضاد منافع با غرب دارد و این تضاد منافع او را به ما و ما را به او نزدیک کرده است. تحریم، مخالفت با حضور امریکا در خاورمیانه و دریای سیاه و مبارزه با تروریسم وجه پیونددهنده این نزدیکی است. این درست است که روسیه همانند هر کشوری به منافع خود می‌اندیشد و نگاه عاطفی به ما ندارد. هم در شورای امنیت علیه ما رأی داده است و هم بارها با حق و توازن ایران و سوریه دفاع کرده است. استفاده از ظرفیت حق و توی یک عضو دائم شورای امنیت عین تدبیر و سیاست ورزی در عرصه جهانی است که اکنون بدون باج‌دهی انجام شده است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در حال حاضر، در خصوص عملکرد شانگهای در حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی رویکردهای مختلفی وجود دارد، در حالی که برخی آن را به دلیل نبود ساز و کارهای لازم از جمله در حوزه‌های اقتصادی فاقد کارکردهای لازم دانسته و آن را چندان یکدست نمی‌دانند، برخی دیگر آن را حتی با اتحادیه اروپا مقایسه کرده و معتقدند که این سازمان در بلندمدت زمینه‌های تبدیل شدن به یک اتحادیه آسیایی بزرگ را دارد.

اما فارغ از دیدگاه‌های مختلف، به نظر می‌رسد اصلی‌ترین چالش موجود در این سازمان عدم وجود منافع مشترک میان اعضا باشد، همچنان که تاکنون آن‌ها نتوانسته‌اند یک رویکرد واحد و مشترک را در زمینه‌های مختلف دنبال کرده و به‌عنوان یک سازمان اثرگذار عمل کنند. به عنوان مثال، در حالی که منافع اقتصادی چین در همراهی با غرب است و این کشور میلیاردها دلار در غرب و همچنین در آمریکا سرمایه‌گذاری کرده است، اما در مقابل روسیه تحت شدیدترین تحریم‌های اقتصادی غرب قرار دارد و رویکردهای اقتصادی آن در تضاد با منافع آمریکا و غرب قرار دارد.

جمهوری اسلامی ایران نیز در حال حاضر یکی از سخت‌ترین شرایط سیاسی و اقتصادی خود را در طی ۴۰ سال انقلاب سپری می‌نماید. تحریم‌های همه‌جانبه ایالات متحده آمریکا و شرکای تجاری و اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب بر علیه جمهوری اسلامی ایران، ضعف در سیستم اقتصادی، تضعیف شدن زیرساخت‌های اقتصادی، عدم ورود ارز به کشور، عدم توانایی کشور در فروش نفت و انرژی و فولاد و سایر این قبیل موارد از جمله مهم‌ترین عوامل وضعیت بحرانی کشور در حال حاضر و در سال ۱۳۹۸ می‌باشند. از این رو در پژوهش حاضر زمینه‌های گرایش جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای و تأثیرات آتی آن بر امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و در این پژوهش دو بعد مهم‌ترین دلایل گرایش جمهوری اسلامی ایران به کشورهای عضو سازمان شانگهای و پتانسیل‌های تجاری میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای بررسی گردید. نتایج نشان داد که تضاد با غرب و بی‌اعتمادی به آن‌ها از سوی جمهوری اسلامی ایران، بدعهدی‌های بی‌شمار ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در خصوص اجرای برجام، وجود منافع استراتژیک میان ایران و برخی کشورهای عضو سازمان شانگهای و سیاست ایران، روسیه و چین در قبال مبارزه با آمریکا از جمله مهم‌ترین دلایل گرایش جمهوری اسلامی ایران تعیین گردید. در قسمت دیگر تحقیق که در زمینه پتانسیل‌های تجاری میان ایران و کشورهای عضو سازمان شانگهای پرداخته شد، نتایج نشان داد که ایران به ترتیب با کشورهای چین، روسیه، هند و پاکستان بیشترین پتانسیل‌های تجاری را داراست و در این بین میزان واردات کالاها از کشورهای چین و هند بسیار بیشتر از سایر

کشورهای منطقه و حتی کشورهای جهان است. در این خصوص نتایج نشان داد که کشورهای چین، هند و روسیه مهم‌ترین و باثبات‌ترین کشورهای هستند که با ایران روابط بسیار نزدیکی دارند.

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر برای یکپارچگی کشورهای مورد مطالعه ارائه می‌شود:

- با توجه به این نکته که تولید ناخالص داخلی از عوامل مؤثر بر تجارت دوجانبه ایران با شرکای تجاری خود است. از این رو، ایجاد بسترهای مناسب برای افزایش تولید ناخالص داخلی، می‌تواند بر گسترش روابط متقابل مؤثر باشد که از آن جمله می‌توان به حمایت از تولیدات داخلی و جذب سرمایه داخلی و خارجی اشاره کرد.
- از آن جایی که ایران در صادرات غیرنفتی خود به کشورهای قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان بسیار ضعیف عمل کرده است و از ظرفیت صادراتی غیرنفتی پائینی برخوردار است، لذا توسعه روابط و بهبود دیپلماسی با سه کشور بیش از پیش دارای ضرورت است.
- با توجه به منافع مشترک استراتژیک و ایدئولوژیک و ژئواکونومیک میان ایران و دو عنصر قدرتمند سازمان شانگهای، افزایش موافقت‌نامه‌های همکاری‌های اقتصادی - منطقه‌ای (بین ایران و کشورهای سازمان شانگهای) می‌تواند حجم جریان تجارت دوجانبه ایران با شرکای تجاری منتخب را افزایش دهد.
- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایران در تجارت با شرکای تجاری منتخب، کمتر از پتانسیل تجاری خود استفاده کرد، بنابراین می‌توان با تقویت زیرساخت‌ها، حمایت از تولیدات داخلی و کاهش نرخ تعرفه زمینه را برای گسترش بازار محصولات پتانسیل دار فراهم کرد.
- در شرایطی که ایران در میان کشورهای عضو سازمان شانگهای، بیشترین پتانسیل تجارت غیر نفتی را با کشور چین دارد، بنابراین این امکان وجود دارد که با صادرات/واردات کالاهای پتانسیل دار غیر نفتی از کشور چین و نیز با گسترش همکاری‌های اقتصادی - تجاری میان ایران و چین، این دو کشور بتوانند توان رقابت‌پذیری خود را ارتقاء بخشیده و با توسعه سرمایه‌گذاری در دو کشور، سهم خود را از تولید و صادرات جهانی افزایش دهند.
- با توجه به توسعه مناطق آزاد در ایران و افزایش نفوذ چین و هند در مناطق آزاد و بنادر ایران، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در جهت بهبود روابط با کشورهایی که پایین‌ترین تشابهات صادراتی وارداتی را داراست (نظیر تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان) زمینه‌ها را در راستای سرمایه‌گذاری کشورهای مذکور و ایجاد پایگاه‌های اقتصادی آنان در ایران را بازگشایی کند.
- توسعه و افزایش نمایشگاه‌های بین‌المللی در زمینه‌های صنعتی، معدن، پزشکی، صنایع سنگین، صنعت نساجی و صنایع دریایی توسط جمهوری اسلامی ایران در کشور، می‌تواند زمینه‌ها را برای شناساندن سایر پتانسیل‌های تجاری با کشورهای عضو سازمان شانگهای خصوصاً چین و هند بسیار مفید واقع شود و در رشد اقتصادی ایران نقش مؤثری را به همراه داشته باشد.

References

- Akhavan Kazemi, Masoud (2007), Shanghai Cooperation Organization on Increasing Importance and Strategy Against Unilateralism, "Proceedings of the 14th International Conference on Central Asia and the Caucasus", Tehran, Office of Political and International Studies.
- Aghajari, Mohammad Javad, Rostami Far, Simin Sadat (2012), The Sark Treaty and its Impact on

- Regionalism, Journal: International Relations Studies, No. 20.
- Bagheri, Fatemeh (2012), Assessing and Estimating the Structure of the World Crude Oil Market and Its Products and Prioritizing Iranian Export Markets, MSc Thesis, Faculty of Management, Department of Business Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch.
- Taghavi, Mehdi, (2011), Investigation of Political and Economic Relations of the Islamic Republic of Iran and Shanghai Cooperation Organization (2004-2009), MSc Thesis, Department of Political Science, Department of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
- Hosseini, Mir Abdollah, Bozorgi, Vahid (2010), Evaluation and Estimation of Iran's Commodity Export Capacity to South Africa, Journal of Business Studies, No. 40.
- Hosseini, Mir Saeed, (2009), The Role of Regional Organizations in Iranian Security, Case Studies: Shanghai Cooperation Organization, MA Thesis, Department of Political Geography, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.
- Hosseini, Mir Abdollah, Bozorgi, Vahid (2010), Assessing and Estimating Iran's Commodity Export Capacity to South Africa, Journal: Business Studies, No. 40.
- Bureau of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs, (1397)
- Rahmani, Mitra (2005), Estimating the Potential of Iranian Trade in Group Eight, Journal of Business Research, No. 36.
- Zahedi Anaraki, Mojtaba (2006), Shanghai Cooperation Organization from Theory to Practice, Journal of Central Asian and Caucasian Studies, No. 55.
- Shahani, Faeqeh (2011), An Investigation of the Trade Potential between Iran and the Shanghai Cooperation Organization Countries, MSc Thesis, Faculty of Economics and Accounting, Department of Economics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.
- Shakibai, Alireza and Bada, Fatemeh (2009), Economic Convergence in Southwest Asia, Journal of Business Research, No. 53.
- Talebifar, Abbas, Jafari Paskai, Siavash (2008), Shanghai Cooperation Organization Balancing Great Power Competition in Eurasia and Membership of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Geographical Organization of the Armed Forces.
- Abdolmutallab, Abdollah (2016), Islamic Revolution and Modern Regionalism in the Middle East, Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran and the Middle East, Journal: Geography, No. 51.
- Karimi, Manouchehr (2010), Modern Turkish Geopolitics and its Impact on Economic Development of the Islamic Republic of Iran (Case Study: Turkey's Accession to the European Union), MSc Thesis, Faculty of Humanities, Department of Geography, Tehran Azad University of Science and Research Branch.
- Koulaie, Elaheh (2000), Evolution in Convergence Theories, Journal: Faculty of Law and Political Science (Tehran University), No. 8.
- Mahkouee, Hojat, Bavir, Hassan (2014), The Role of Regional Organizations in Reducing Regional Challenges; A Case Study of Economic Cooperation Organization (ECO), Journal: International Organizations, No. 7.
- Najafkulinejad Varuji, Azam, Hassanzadeh, Mohammad (2013), Enhancing Cooperation among National Libraries of ECO Countries, Journal of National Library and Information Studies, Volume 1, Number 2.
- Arnon, A. & Avia Spivak & J. Weinblatt, 1996, "The Potential for Trade Between Israel, the Palestinians and Jordan", The World Economy, vol. 19, Issue 1.
- Artis, M., Okubo T., (2011), "The Intranational Business Cycle, in Japan", Oxford Economic Papers, 63 (1)
- Edmonds, C., Croix, S. L., Li, Y., (2008), "China Trade: Busting gravity's bounds", Journal of Asian Economics, 19.
- Marimoutou, V., Peguin, D., Feissolle, A. P., (2009), "The Distance-Varying Gravity Model in International Economics: is the distance an obstacle to trade? ", Economics Bulletin, 29 (2)
- Marimoutou, V., Peguin, D., Feissolle, A. P., (2009), "The Distance-Varying Gravity Model in International Economics: is the distance an obstacle to trade? ", Economics Bulletin, 29 (2).
- Rottgers, D., Fabe, A., Grote, U., (2010), "The Canola Oil Industry and EU Trade Integration: A Gravity Model Approach", Series Proceedings of the German Development Economics Conference 32.